



یادداشت

علی خوش‌زیان

از مدینه تا توس؛ سه خورشید غروب نکردند

روزهای پایانی ماه صفر تنها یادآور سه حادثه تلخ تاریخی نیست؛ این روزها، فصل بازخوانی رسالت، امامت و ولایت است. اگر بیست‌وهشتم صفر، خورشید رسالت در افق مدینه از دیده‌ها پنهان شد، در همان مسیر، مظلومیت امامت نیز آغاز گردید؛ مظلومیتی که با شهادت امام حسن مجتبی(ع) آشکارتر شد و با شهادت امام رضا(ع) در غربت توس، جلوه‌ای دیگر یافت.

پیامبر اکرم(ص) انسانی را تربیت کرد که محور رحمت، عدالت، کرامت و هدایت بود. اما هنوز پیکر مطهر آن حضرت بر زمین بود که امت با آرزومنی بزرگ روبه‌رو شد؛ آرزومنی که نتیجه آن، فاصله گرفتن تدریجی از فرهنگ ناب نبوی بود. از همین جا، غربت اهل بیت(ع) آغاز شد.

امام حسن مجتبی(ع) نخستین امامی بود که برای حفظ اصل اسلام، تلخ‌ترین جام صبر را نوشید. صلح اِیْشان نه از سرضعف، بلکه اوج قدرت عقلانیت و آینده‌نگری بود. آن حضرت دریافت اگر در آن شرایط، جنگ ادامه یابد، نه از اسلام حقیقی نشانی خواهد ماند و نه از شیعیان وفادار اثری. از این‌رو، صلح امام حسن(ع) زمینه‌ساز قیام عاشورا شد؛ همان‌گونه که سکوت حکیمانه، گاه‌رستار از فریاد است.

سرانجام، دشمنی که از میدان نبرد مأیوس شده بود با زهر، کریم اهل بیت(ع) را به شهادت رساند. مظلومیتی که حتی پس از شهادت نیز پایان نیافت و پیکر مطهرش از دفن در کنار جد بزرگوارش محروم شد. این حادثه، سندی بر غربت خاندان پیامبر(ص) است. سال‌ها بعد، تاریخ همان مسیر را در سرزمین خراسان تکرار کرد. مأمون عباسی با ظاهر احترام، امام رضا(ع) را از مدینه به مرو فراخواند تا امامت را در حصار سیاست گرفتار کند؛ اما آنچه رخ داد، گسترش نور ولایت بود. مناظرات علمی، تربیت شاگردان، تبیین معارف توحیدی و پیوند دل‌های مردم با اهل بیت(ع) نتیجه‌هجرتی شد که دشمن برای خاموش کردن نور خدا طراحی کرده بود. شهادت امام رضا(ع) در توس، پایان زندگی یک انسان نبود؛ آغاز حیات معنوی سرزمینی شد که امروز میلیون‌ها دل عاشق را به سوی خود می‌کشاند. حرم مطهر رضوی، تنها یک زیارتگاه نیست؛ دانشگاه ایمان، کرامت و امید است. اگر پیامبر اعظم(ص) رحمت را به بشریت آموخت، امام حسن(ع) عقلانیت و صبر را معنا کرد و امام رضا(ع) گفت‌وگوی حکیمانه و کرامت را به نمایش گذاشت. این سه حقیقت، سه فصل از یک کتاب‌اند؛ کتاب هدایت انسان.

امروز جامعه ما بیش از هر زمان دیگری به این سه میراث نیاز دارد: اخلاق نبوی، حلم حسنی و معرفت رضوی. جهانی که از خشونت، تفرقه و بحران‌های اخلاقی رنج می‌برد، درمان خود را در بازگشت به این مکتب خواهد یافت. صفر، ماه اندوه است؛ اما اندوهی که به بیداری می‌انجامد. اشک بر پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) اگر با شناخت و عمل همراه شود، انسان را به مسئولیت اجتماعی، عدالت‌خواهی، مهربانی و خدمت به مردم رهنمون می‌کند. پیامبر در این روزهای سوگ، تنها عزادار نباشیم؛ وارث رسالت باشیم. ادامه‌دهنده صبر حسنی باشیم و پیام آور فرهنگ رضوی. آن‌گاه خواهیم دید این سه خورشید هرگز غروب نکرده‌اند نور آنان همچنان راه انسان را تا قیامت روشن می‌کند.

خبر

«محفل فرشتگان مقاومت ۳» به همت مرکز امور قرآنی آستان قدس رضوی برگزار شد

روایت فرشتگان از قرآن و مقاومت

الله‌ضمیری؛ سومین «محفل فرشتگان مقاومت» با محوریت یادبود قرآنی کودکان و رهبر شهید انقلاب اسلامی، صبح یکشنبه ۱۸ مرداد در رواق امام خمینی(ره) حرم مطهر رضوی برگزار شد؛ محفلی که با حضور زائران و مجاوران، تلاوت قرآن کریم، اجرای سرودهای حماسی، پرچم‌گردانی کودکان و نوجوانان و مداحی، پیوندی میان مفاهیم قرآنی و فرهنگ مقاومت ایجاد کرد.

■ قرآن، کودک و فرهنگ مقاومت

رواق امام خمینی(ره) حرم مطهر رضوی صبح یکشنبه حال و هوایی متفاوت داشت؛ از نخستین ساعات آغاز برنامه، زائران و مجاوران در این رواق گرد هم آمدند تا در سومین محفل «فرشتگان مقاومت» یاد کودکان و رهبر شهید انقلاب اسلامی را در فضایی قرآنی و معنوی گرامی بدارند. این محفل به همت مرکز امور قرآنی آستان قدس رضوی از ساعت ۸ تا ۱۰:۳۰ برگزار شد و بخش‌های مختلف آن با حضور کودکان، نوجوانان و گروه‌های قرآنی و سرود همراه بود.

در ابتدای برنامه، حجت الاسلام نواب ضمن خیرمقدم به حاضران، اجرای برنامه را آغاز کرد. پس از آن، سبحان نعیمی، قاری نوجوان، آیاتی از کلام‌الله مجید را تلاوت کرد و فضای رواق امام خمینی(ره) با نواقر قرآن عطر آگین شد. در ادامه، گروه «ندای غدیر» سرود جمهوری اسلامی ایران را اجرا کرد. این اجرا با «سلام نظامی» همراه شد و حال‌وهوایی حماسی به محفل بخشید. یکی دیگر از بخش‌های این مراسم، قرائت دسته‌جمعی صلوات خاصه امام رضا(ع) بود. حاضران را دادن دست بر قلب، همراه با گروه «ندای غدیر» صلوات خاصه را زمزمه کردند؛ لحظه‌ای که فضای رواق را با حال‌وهوای معنوی و رضوی همراه کرد.

در ادامه برنامه، با مقدمه مجری، تلاوت دسته‌جمعی قرآن کریم توسط گروه «نورالرضا(ع)» انجام شد. حضور کودکان و نوجوانان در این بخش، جلوه‌ای ویژه به محفل بخشید و مفاهیم قرآنی را با زبان و حضور نسل کودک و نوجوان به تصویر کشید. پس از تلاوت قرآن، کودکان حاضر در مراسم با شعار و پرچم‌گردانی، بخش دیگری از برنامه را رقم زدند. پرچم‌هایی که در دست کودکان و نوجوانان به حرکت درآمد، فضایی رواق را به صحنه‌ای از شور و حماسه تبدیل کرد. در ادامه، گروه سرود نسل سلمان، سرود دسته‌جمعی «باید برخاست» را اجرا کرد؛ سرودی که با مضمون ایستادگی و مقاومت، با محتوای اصلی این محفل پیوند داشت.

با نزدیک شدن به بخش پایانی، مجری حاضران را برای سپینه‌زنی آماده کرد و پس از آن، مداحی حسین کاتب اجرا شد. این بخش، فضای مراسم را به سمت حال‌وهوایی عاطفی و سوگوارانه برد و یاد کودکان شهید را در ذهن حاضران زنده کرد.

سومین «محفل فرشتگان مقاومت» در حالی در جوار بارگاه منور رضوی برگزار شد که قرآن، کودک و فرهنگ مقاومت سه محور اصلی آن را شکل دادند؛ محفلی که تلاش کرد با استفاده از زبان تلاوت، سرود، حماسه و مرثیه، یاد کودکان و رهبر شهید انقلاب اسلامی را زنده نگه دارد.

محمدحسین مروج کاشانی | ... پیام زندگی

علی بن موسی الرضا(ع) چیست؟ ما که نباید فقط به مرقد امام علی بن موسی الرضا(ع) اظهار ارادت کنیم. او امام ماست، زندگی او برای ما درس است، از زندگی او باید درس بگیریم. زندگی او برای ما یک پیامی دارد، آن پیام چیست؟ من آن پیام را در یک کلمه خلاصه می‌کنم. بداندید پیام زندگی پرماجرای علی بن موسی الرضا علیه‌الصلوة والسلام به ما عبارت است از: مبارزه دائمی خستگی ناپذیر...». این بخشی از بیانات رهبر جمهوری و در جمع مردم مشهد در آستان مقدس رضوی در تاریخ سوم آذر ۱۳۶۳ شمسی است. (منبع: دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی امام شهید خامنه‌ای(ره)) به مناسبت فرا رسیدن دهه پایانی ماه صفر و شهادت هشتمین پیشوای شیعیان جهان، حضرت علی بن موسی الرضا(ع) در این گزارش به اختصار به مرور برخی از بیانات رهبر شهید انقلاب اسلامی(ره) درباره زندگی سیاسی و مبارزاتی حضرت امام رضا(ع) با نگاهی به کتاب ارزشمند انسان ۲۵۰ ساله که اختصاص به بیانات امام مجاهد شهید(ره) درباره زندگی سیاسی و مبارزاتی ائمه معصومین(ع) دارد، پرداخته‌ایم. در ادامه با ما همراه باشید.



گفت‌وگو

ر بحانه عامل نیک؛ دهه آخر ماه صفر برای مردم ایران و به‌ویژه اهالی خراسان و مشهد، پس از مراسم اربعین حسینی در موسم آیینی چهل و هشتم تجدید عهد با امامی است که سفر تاریخی و تمدن‌ساز ایشان، هویت دینی و فرهنگی این سرزمین را درگروگن کرد. حضور امام رضا(ع) در خراسان، منشأ شکل‌گیری شبکه‌ای از محبت، معرفت، زیارت، خدمت و آیین‌های مردمی شد که تا امروز در زندگی دینی مردم جاری است. جامعه‌ما در دوران جنگ تحمیلی در شرایطی به استقبال این ایام می‌رود که فضای معنوی کشور، عطراکین از حماسه حضور میلیون‌ی مردم در تشییع باشکوه رهبر شهید انقلاب؛ حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای و خاکسپاری پیکر مطهر ایشان در حرم مطهر رضوی است.

شناخت دقیق ظرفیت‌های معنوی این دوران برای کودکان و تبدیل آن به برنامه‌های عملی در محیط خانواده و جامعه، ضرورتی تربیتی است که در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمصلحین محمدباقر مشکاتی، کارشناس خانواده و پژوهشگر حوزه دین، ابعاد و راهکارهای مختلف آن را در محورهای مختلف بررسی کردیم. در ادامه مشروح این گفت‌وگو را بخوانید.

■ رکن ماندگار در قلب ایران

اتفاقات اخیر در کشور و جنگی که بر کشور ایران و مردم مسلمان ما تحمیل شده است، تنها بزرگسالان را درگیر خود نکرده و بسیاری از کودکان با کودکان به تجربه‌های پیش‌بینی نشده‌ای روبه‌رو شده‌اند. والدین در کنار همه تلاش‌های مادی برای فرزندان باید به امنیت روانی و اتکای معنوی آنان نیز توجه کنند. در این راستا ظرفیت آیین‌های دهه پایانی صفر و حتی آیین مخصوص اهالی خراسانی یعنی چهل‌وهشتم برای امت اسلامی قابل استفاده است. زیرا تمامی موارد ذکر شده؛ مشهد الرضا(ع) را به نقطه پرگار پایداری، عهد جاوید و تجلی پیوند «شهادت، ولایت و خدمت» تبدیل کرده است. لذا زنده نگه‌داشتن آیین‌های مرتبط با ایام شهادت آن حضرت، تنها حفظ یک سنت عاطفی و زیارتی مخصوص به خراسان نیست، بلکه پاسداشت بخشی از حافظه تاریخی، هویت مذهبی و فرهنگ اجتماعی ایرانی‌هاست.

■ «مبارزه سیاسی حاد» خط‌ممتد زندگی ائمه‌هدی(ع)

با بررسی زندگانی فردی، اجتماعی و سیاسی حضرات معصومین(ع) و با استناد به آموزه‌های قرآنی و تعالیم مکتب اهل بیت(ع) درمی‌یابیم این بزرگواران در هیچ لحظه‌ای از زندگانی خود از مبارزه با دستگاه ظلم و جور دست نکشیدند و کوتاه نیامدند. رهبر شهید(ره) در بخش مقدمه این کتاب در این باره می‌فرماید: «... غربت ائمه(ع) به دوران زندگی این بزرگواران منتهی نشد، بلکه در طول قرن‌ها، عدم توجه به ابعاد مهم و شاید اصلی از زندگی این بزرگواران، غربت تاریخی آن‌ها را استمار بخشید. یقیناً کتاب‌ها و نوشته‌ها در طول این قرون، از ارزش بی‌نظیری برخوردارند، زیرا توانسته‌اند مجموعه‌ای از روایاتی را که در باب زندگی این بزرگواران هست، برای آیندگان یادگار بگذارند، اما عنصر «مبارزه سیاسی حاد» که خط‌ممتد زندگی ائمه‌هدی(ع) را در طول ۲۵۰ سال تشکیل می‌دهد، در لایه‌لای روایات و احادیث و شرح حال‌های ناظر به جنبه‌های علمی و معنوی گم شده است. زندگی ائمه(ع) را باید به عنوان درس واسوه فراگیریم، نه فقط به عنوان خاطره‌های شوک‌همند و ارزنده و این بدون توجه به روش و منش سیاسی این بزرگواران، ممکن نیست...».

■ بیان برخی از مقاصد شوم مأمون در زمینه دعوت امام رضا(ع) به خراسان

مأمون عباسی که از او به عنوان یکی از سیاستمدارترین خلفای بنی عباس یاد می‌شود، برای تثبیت حکومت جاثرانه خود همواره تلاش می‌کرد دست به اقداماتی در سایه سیاست، خدعه و عوام‌فریبی بزند تا کوچک‌ترین و کمترین درگیری را با مخالفان حکومت خود داشته باشد. امام مجاهد شهید(ره) در فصل سیزدهم این کتاب درباره برخی از اهداف شوم مأمون عباسی می‌فرماید: «... مأمون از دعوت امام هشتم(ع) به خراسان چند مقصود عمده را تعقیب می‌کرد: نخستین و مهم‌ترین آن‌ها، تبدیل صحنه مبارزات حاد انقلابی شیعیان به عرصه فعالیت سیاسی آرام و بی‌خطر بود... مأمون می‌خواست یکباره آن خفا و استتار را از این جمع مبارز(شیعیان) بگیرد و امام را از میدان مبارزه انقلابی به میدان سیاست بکشاند و بدین وسیله کارایی نهضت تشیع را که بر اثر همان استتار و اختفا روز به روز افزایش یافته بود به صفر برساند. با این کار، مأمون آن دو ویژگی مؤثر و نافذ(مظلومیت و قداست) را نیز از گروه علویان می‌گرفت، زیرا جمعی که رهبرشان، فرد ممتاز دستگاه خلافت و ولیعهد مأمون پادشاه مطلق‌العنان وقت و متصرف در امور کشور است، نه مظلوم است و نه آنچنان مقدس...».

«... دوم(از دیگر مقاصد مأمون) تخطئه مدعیای تشیع مبنی بر غاصبانه بودن خلافت‌های اموی و عباسی و مشروعبیت دادن به این خلافت‌ها بود. مأمون با این کار به همه شیعیان، با تزویر و دورویی ثابت می‌کرد که ادعای غاصبانه و نامشروع

■ قدم‌های کوچک در مسیر؛ سرمایه‌ای تربیتی

در فرصت ایام پایانی ماه صفر، کودک می‌تواند مفاهیمی مانند زیارت چه به عنوان زائر و چه به عنوان مجاور، خدمت و میهمان‌نوازی را در فضایی عینی و کنار خانواده تجربه کند، چرا که در این روزها، مفاهیمی چون محبت اهل بیت(ع)، زیارت، همدلی، خدمت، میهمان‌نوازی، احترام به عزادار و تکریم زائر، از حالت مفاهیم ذهنی خارج می‌شود و در قالب رفتارهای عینی و جمعی قابل مشاهده است. کودک در این فضا می‌آموزد دین‌داری فقط در گفتن و شنیدن خلاصه نمی‌شود، بلکه در خدمت‌کردن، کمک‌دادن، همراه‌های کردن و سهیم‌شدن در غم و محبت اهل بیت(ع) نیز معنا پیدا می‌کند.

شهر مشهد در آستانه شهادت امام رضا(ع) حال و هوای خاصی به‌خود می‌گیرد؛ از مسیرهای منتهی به حرم مطهر و حضور زائران پیاده‌تا برپایی موکب‌ها، ایستگاه‌های صلواتی، ندروی‌ها، مجالس خانگی و آیین‌های محلی. این قرائز گرفتن وطی‌کردن حتی چند قدم با کودک در این مسیر، خود یک سرمایه تربیتی است که باید توسط کودکان تجربه شود.

■ تغییر نقش کودک؛ از تماشاگری به مشارکت

یکی از مهم‌ترین نکات در تربیت و آشنایی کودکان با آیین‌ها، تبدیل آنان از تماشاگر به مشارکت‌کننده است. اگر کودک فقط در مجلس عزاداری حاضر شود، امن‌نقشی در فرایند نداشته باشد، ارتباط او با این مناسبت، سطحی باقی می‌ماند. در مقابل، وقتی خود او در آماده‌سازی ندروی، چیدن ظرف‌ها، بسته‌بندی خوراکی، توزیع آب و غذا، آیدای دمیایی یا جوراب، یا حتی به زائران یا پاکیزه‌سازی محل برگزاری مراسم نقش دارد، احساس تعلق، مسئولیت و محبت او نسبت به این آیین‌ها عمیق‌تر می‌شود. بنابراین تغییر نقش کودک از تماشاگر به دست‌اندرکار در ایستگاه‌ها و مجالس، حس مسئولیت‌پذیری و تعلق خاطر او را به سنت‌های مذهبی عمیق‌تر می‌کند. اصل مهم آن است که هر کودک احساس کند در بزرگداشت بزرگان دین اسلام مشارکت دارد.

■ دستی کوچک در کمک؛ سهمی بزرگ از محبت امام(ع)

یکی از ملموس‌ترین محورهای مشارکت کودکان، حضور در فرایند آماده‌سازی ندروی است. کودکان می‌توانند در شستن مواد اولیه، چیدن لیوان، آماده‌کردن بسته‌های خرما، تقسیم

بودن خلافت‌های مسلط که همواره جزو اصول اعتقادی شیعه به حساب می‌رفته، یک حرف بی‌پایه و ناشی از ضعف و عقده‌های حقارت بوده است...».

«سوم اینکه مأمون با این کار یعنی دعوت امام هشتم(ع) به خراسان، امام را که همواره یک کانون معارضه و مبارزه بود، در کنترل دستگاه‌های خود قرار می‌داد و به جز خود آن حضرت، همه سران و گردنکشان و سلحشوران علوی را نیز در سیطره خود درمی‌آورد و این موفقیتی بود که هرگز هیچ یک از اسلاف مأمون چه بنی امیه و چه بنی عباس بر آن دست نیافته بودند...».

«... چهارم اینکه امام را که یک عنصر مردمی و قبیله امیدها و مرجع سؤال‌ها و شکایات بود در محاصره مأموران حکومت قرار می‌داد و رفته رفته رنگ مردمی بودن را از او می‌زدود و میان او و مردم و سپس میان او و عواطف و محبت‌های مردم فاصله می‌افتد...».

«هدف پنجم این بود که با این کار برای خود وجهه و حیثیتی معنوی کسب می‌کرد. طبیعی بود که در دنیای آن روز، همه او را بر اینکه فرزندی از پیغمبر و شخصیت مقدس و معنوی را به ولیعهدی خود برگزیده و برادران و فرزندان خود را از این امتیاز محروم ساخته است، ستایش کنند و همیشه چنین است که نزدیکی دین‌داران به دنیاطلبان از آبروی دین‌داران می‌کاهد و بر آبروی دنیاطلبان می‌افزاید...».

«ششم آنکه در پندار مأمون، امام با این کار به یک توجیه‌گر دستگاه خلافت بدل می‌گشت، بدیهی است شخصی در حد علمی و تقوایی امام با آن حیثیت و حرمت بی‌نظیری که وی به عنوان فرزند پیامبر در چشم همگان داشت، اگر نقش توجیه‌حوادث را در دستگاه حکومت برعهده می‌گرفت، هیچ نخمه مخالفی نمی‌توانست خدش‌های بر حیثیت آن دستگاه وارد سازد. این همان حصار استواری بود که می‌توانست همه خطاها و زشتی‌های دستگاه خلافت را از چشم‌ها پوشیده بدارد. البته به جز این‌ها، هدف‌های دیگری نیز برای مأمون متصور بود...».

■ بیان برخی از تدابیر امام هشتم(ع) در خنثی‌سازی دسیسه‌های مأمون

آقای شهید ایران(ره) در ادامه فصل سیزدهم از همین کتاب درباره خنثی‌سازی توطئه‌های مأمون عباسی توسط امام هشتم(ع) می‌فرماید: «... اکنون به بیان برخی از سیاست‌ها و تدابیر امام علی بن موسی الرضا(ع) در این حادثه می‌پردازیم: اول اینکه، هنگامی که امام را از مدینه به خراسان دعوت کردند، آن حضرت فضای مدینه را از کراهت و ناراضایی خود پرکرد، به طوری که همه افراد در پیرامون امام یقین کردند که مأمون بنایت سوء، حضرت را از وطن خود دور می‌کند. امام بدبینی خود به مأمون را با هر زبان ممکن به همه گوش‌ها رساند... با زبان دعا و زبان اشک بر همه ثابت‌کرد این سفر، سفر مرگ است...».

■ بیان برخی از تدابیر امام هشتم(ع) در خنثی‌سازی دسیسه‌های مأمون

آقای شهید ایران(ره) در ادامه فصل سیزدهم از همین کتاب درباره خنثی‌سازی توطئه‌های مأمون عباسی توسط امام هشتم(ع) می‌فرماید: «... اکنون به بیان برخی از سیاست‌ها و تدابیر امام علی بن موسی الرضا(ع) در این حادثه می‌پردازیم: اول اینکه، هنگامی که امام را از مدینه به خراسان دعوت کردند، آن حضرت فضای مدینه را از کراهت و ناراضایی خود پرکرد، به طوری که همه افراد در پیرامون امام یقین کردند که مأمون بنایت سوء، حضرت را از وطن خود دور می‌کند. امام بدبینی خود به مأمون را با هر زبان ممکن به همه گوش‌ها رساند... با زبان دعا و زبان اشک بر همه ثابت‌کرد این سفر، سفر مرگ است...».

■ میزان یا میهمان؛ همه خادم‌الرضاییم

یکی از برجسته‌ترین جلوه‌های دهه آخر صفر در خراسان، حضور زائران پیاده‌ای است که با عشق و ارادت، مسیرهای طولانی را برای رسیدن به حرم مطهر طی می‌کنند. این صحنه‌ها برای کودکان و نوجوانان اگر درست تبیین شود، می‌تواند درسی زنده از شوق زیارت، وفاداری، استقامت و محبت باشد. خانواده‌ها می‌توانند فرزندان خود را در حد توان، در کارهایی مانند آماده‌کردن موکب‌ها و جای استراحت، توزیع آب و غذا، آیدای دمیایی یا جوراب، یا حتی خوشامدگویی و بدرقه محترمانه شریک کنند.

این مشارکت‌ها صرفاً خدماتی نیست؛ بلکه کودک در عمل می‌آموزد زائر امام رضا(ع)، میهمان کرامت رضوی است و میزبانی از او، نوعی افتخار و عبادت به شمار می‌آید. اینجاست که هویت محلی و دینی، از یک عنوان جغرافیایی فراتر می‌رود و به یک مسئولیت معنوی و اجتماعی تبدیل می‌شود. خدمت در اینجا معنای خاصی دارد؛ زیرا آنان خود را در جایگاه میزبانان و خادمان زائران امام می‌بینند. بنابراین برپایی موکب‌های کودکانه در چهل‌وهشتم به بچه‌ها فرصت می‌دهد با پذیرایی و خوشامدگویی به زائران، مفهوم این شعار که همه خادم‌الرضاییم را لمس کنند.

■ معرفی آیین‌ها و خرده‌آیین‌های محلی؛ از چهل‌وهشتم تا مجالس خانگی

برای آنکه کودکان و نوجوانان با این ایام آشنا شوند، لازم

مرور فرازهایی از بیانات امام شهید امت اسلام(ره) درباره بخشی از زندگی سیاسی و مبارزاتی امام هشتم(ع) با نگاهی به کتاب «انسان ۲۵۰ ساله»

زندگی پرماجرای امام رضا علیه‌السلام به روایت رهبر شهید

«دوم اینکه، هنگامی که در مرو پیشنهاد ولایتعهدی آن حضرت مطرح شد، حضرت به شدت استنکاف کردند و تا وقتی مأمون صریحاً آن حضرت را تهدید به قتل نکرد، آن را نپذیرفتند... خود امام از هر فرصتی، اجباری بودن این منصب را به گوش این و آن می‌رساند، همواره می‌گفت: من تهدید به قتل شدم تا ولیعهدی را قبول کردم...».

«سوم اینکه، با این همه، حضرت علی بن موسی الرضا(ع) فقط بدین شرط ولیعهدی را پذیرفت که در هیچ یک از شئون حکومت دخالت نکند و به جنگ و صلح و عزل و نصب و تدبیر امور نپردازد و مأمون که فکر می‌کرد فعلاً در شروع کار، این شرط قابل تحمل است، این شرط را از آن حضرت قبول کرد. روشن است که با تحقق این شرط، نقشه مأمون نقش بر آب می‌شد و بیشترین هدف‌های او ناباورده می‌گشت...».

«چهارم اینکه، بهره‌برداری اصلی امام از این ماجرابسی مهم‌تر است. امام با قبول ولیعهدی، دست به حرکتی می‌زند که در تاریخ زندگی ائمه(ع) پس از پایان خلافت اهل بیت(ع) در سال چهل‌م هجری قمری، تا آن روز و تا آخر دوران خلافت بی‌نظیر بوده است و آن برملا کردن داعیه امامت شیعی در سطح عظیم اسلام و در دین پرده غلیظ تقیه و رساندن پیام تشیع به گوش همه مسلمانان است. تربیون عظیم خلافت در اختیار امام قرار گرفت و امام در آن، سخنانی را که در طول ۱۵۰ سال جز در خفا و با تقیه و به خصیمصین(فرا دبسیار خاص) و یاران نزدیک گفته نشده بود به صدای بلند فریاد کرد و با استفاده از امکانات معمولی آن زمان که جز در اختیار خلفا و نزدیکان درجه یک آن‌ها قرار نمی‌گرفت، آن را به گوش همه رساند...».

«پنجم اینکه... امام در هر فرصتی خود را در معرض ارتباط با مردم قرار می‌داد... در نیشابور حدیث سلسله‌الذهب را برای همیشه به یادگار گذاشت و در مرو که سر منزل اصلی و اقامتگاه خلافت بود هم‌رگه فرصتی دست داد، حصارهای دستگاه حکومت را برای حضور انبوه جمعیت می‌شکافت...».

«ششم اینکه، وضع جدید امام (قیولی ولیعهدی) موجب دلگرمی شیعیان شد و شورشگرانی که بیشترین دوران عمر خود را در کوه‌های صعب‌العبور و آبادی‌های دور دست و با سختی و دشواری می‌گذرانده‌ند، با حمایت امام علی بن موسی الرضا(ع) حتی مورد تحلییل و احترام کارگزاران حکومت نیز در شهرهای مختلف قرار گرفتند...».

«... کوتاه‌سخن اینکه مأمون در این ماجرا، نه تنها چیزی بدست نیاورده که بسیاری چیزها را از دست داده و در انتظار بود که بقیه چیزها را نیز از دست بدهد... در پایان مأمون چار‌ای جز آن نیافت که به دست خود و بدون هیچ گونه واسطه‌ای امام را مسموم کند و همین کار را کرد و در ماه صفر سال ۲۰۳ هجری قمری یعنی قریب دو سال پس از آوردن آن حضرت از مدینه به خراسان و یک سال و اندی پس از صدور فرمان ولیعهدی به نام آن حضرت، دست خود را به جنایت بزرگ و فراموش نشدنی قتل امام آلود...».

است آیین‌ها و خرده آیین‌های محلی برایشان روایت و تبیین شود. مجالس، ندوات، گردهمایی‌های خانوادگی یا محلی و افزون بر آن، مراسم روضه‌های خانگی، سیاه‌پوش کردن خانه یا محل، پخش خوراکی‌های ساده ندروی، روشن کردن فضای عزا در محله، قرائت زیارت و صلوات دسته‌جمعی، همه از خرده آیین‌هایی هستند که باید برای نسل جدید معنا شوند. تبیین فلسفه سنت «چهل و هشتم گرفتن» و روضه‌های خانگی برای نسل نو، رفتارهای مذهبی را از تکرار سطحی خارج کرده و پیوندی آگاهانه با امام مهربانی‌ها می‌سازد. وقتی برای کودک توضیح داده شود که هر یک از این سنت‌ها نشانه‌ای از محبت، یاد، وفاداری و پیوند مردم با امام رُخوف(ع) است، آن‌گاه کودک با آن‌ها رابطه‌ای آگاهانه‌تر و عمیق‌تر برقرار خواهد کرد.

■ کارهای ساده اما ماندگار برای کودکان و نوجوانان

در جمع‌بندی گفتنی است، در سال جاری که آرام گرفتن پیکر مطهر رهبر شهید در حرم مطهر رضوی دل‌های آحاد جامعه را بیش از هر زمان به حریم رضوی گره زده است، اگر خانواده‌ها بتوانند آیین‌های چهل‌وهشتم را با نقش آفرینی فعالانه فرزندان خود احیا کنند، علاوه بر حفظ میراث معنوی، نسلی پرورش خواهد یافت که پیوندش با امام رضا(ع) پیوندی زنده، عاطفی، مسئولانه و خادمانه است. مشارکت کودکان شاید در ظاهر کوچک باشد، اما در ساختن پیوند قلبی کودک با مفاهیم دینی مؤثر است. چند پیشنهاد در ادامه آمده است.

نوشتن نامه به امام رضا(ع)

نقاشی از تجربه زیارت یا خدمت

آمادکردن بسته‌های فرهنگی پذیرایی

حفظ یک حدیث

کمک در نظافت فضای مراسم

همراهی در صلوات فرستاندن

قرائت زیارت

حفظ اشعار ساده

جمع‌آوری کمک برای میزبانی از زائران